



بعد از شهادت آقامرئضی، علی شاه حاتمی، مجتبی راعی و کیومرث پورا احمد اینها همه بچه‌هایی بودند که آقامرئضی را خیلی دوست داشتند و می‌خواستند تا بعد از شهادت او یک کاری برای ایشان تهیه کنند و حتی شات لیست‌های این کار را نیز تهیه کرده بودند تا سفر آخر حاجی را تدوین کنند اما همان سفر آخری که سیدمرتضی به شهادت رسید همه راش‌های آن دست نخورده باقی مانده بود

## قتلگاه فکه

فیнал این مستند با شهادت آقامرئضی تمام می‌شود و دوربین ۲ همه اینها را به تصویر کشیده است. سه سال تولید این کار طول کشید و چهار قسمت اولیه این کار که مربوط به خرمشهر بود ابتدا به آنتن رسید اما من اصرار داشتم که ماجرای فکه پخش نشود مگر این‌که همه قسمت‌ها با همدیگر پخش شود تا نهایتاً پخش همه این کار به شبکه مستند و این ایام رسیده است.

این‌که چرا آقامرئضی برای تولید این مستند، سقوط خرمشهر و فکه را که هر دو با شکست ما مربوط می‌شده انتخاب کرده شاید برای مخاطبان جالب باشد؛ آقامرئضی معتقد بود اگر شما می‌خواهید بفهمید که انسان به لحاظ روحی چه جایگاه و مقامی پیدا می‌کند در خوشحالی سراغ او نروید و ببینید در زمان شکست چه احوالاتی برای او رقم خورده است. ببینید در این به‌ظاهر شکست‌ها انسان‌ها چه ارتقایی پیدا می‌کنند و چه روحیه‌ای دارند. درواقع بزرگ‌ترین تراژدی دوران دفاع مقدس همین قتلگاه فکه در والفجر مقدماتی و والفجر یک بوده است.

# معراج آقامرئضی در قتلگاه فکه



علاقه داشته است و سعی کردیم کمترین دخل و تصرف را در این کار داشته باشیم. یعنی یک ریتم کند برای آن انتخاب کنیم که مخاطب بتواند آن صحنه را ببیند و فرصتی به او بدهیم که بتواند در لانگ‌شات این قاب را تماشا و با موضوع ارتباط برقرار کند.

### مقدمه‌ای که با حاج‌نادر آغاز می‌شود

در این مجموعه مستند مصطفی سیفی به عنوان تصویربردار ما را همراهی کرده است. احمد خلیل‌ابد دوربین دوم ما بود. کارگردانی، تدوین و طراحی صحنه این کار در استودیو انجام شده و طراحی تیتراژ بر عهده خودم بوده است. شروع این کار با قصه‌ای که مرحوم نادر طالب‌زاده در استودیو روایت می‌کند آغاز می‌شود. در قسمت پنجم قتلگاه فکه شروع می‌شود و آنجا مرحوم طالب‌زاده صحبت می‌کند که اصلاً چه اتفاقی افتاد که آقامرئضی سراغ ماجرای فکه می‌رود چون که به‌ظاهر این عملیات تماماً شکست بوده و همه بچه‌ها در آنجا از تشنگی شهید شدند و در چرای این کار گفته می‌شود که آقامرئضی فکه و گودال قتلگاه را برای این کار انتخاب کرده بود.

### چرا «آن»

وقتی شما یک فیلم مستند یا سینمایی تماشا می‌کنید اصطلاحاً آن فیلم یک «آن» دارد که همان لحظه خاص، آن فیلم را بالا برده است. جالب اینجاست مخاطب از آن لحظه‌ای که وارد ماجرای فکه می‌شود، نه تنها کارگردان، نه تنها فیلمبردار و نه تنها عواملی که در آنجا در حال روایتگری هستند، بلکه کل فیلم یک «آن» می‌شود. یعنی ۴۰ دقیقه شما «آن» دارید و این خیلی غریب است.

من به سختی و با مشقت فراوان اصطلاحاً مح کات این کار را پیدا کردم تا اتصال دوربین یک به ۲ و ۲ به یک را انجام دهیم.

این مستند از خرمشهر شروع می‌شود و به فکه می‌رسد. اتفاقی که می‌افتد و در تصاویر مشخص بود این بود که حال روحی آقامرئضی هر روز دگرگون می‌شد و این دگرگونی احوال را در تصاویر شما به دقت می‌توانستید مشاهده کنید که در پشت صحنه آقامرئضی یک وقتی سرشان پایین است، توجهی به مصاحبه ندارند، مقداری حال‌شان گرفته است و تمام این احوالات را دوربین پشت صحنه به خوبی ضبط کرده است. اتفاقاً یک دوربین عکاسی نیز در صحنه بوده که همه این تصاویر را عکاسی کرده است و اینها همه شات‌های خوبی بود که اگر در کنار هم قرار می‌گرفت و جلو می‌رفت اصطلاحاً فیلم را جلو می‌برد و ما می‌توانستیم اثری از آقامرئضی آوینی ببینیم که این اثر، محوریت اولش خود آقامرئضی است. چون اگر خود آقامرئضی می‌خواست این کار را تدوین کند قطعاً خودش را از کار حذف و نهایتاً از همان بچه‌های فکه روایت می‌کرد. حالا ما در این کار هم روایت آقامرئضی را در بخش اول کار خود قرار دادیم و بعد در مسیر دوم بچه‌هایی را که روایت‌های والفجر مقدماتی و والفجر ۱ را می‌گویند در محوریت کار خود گذاشتیم.

### علاقه آقامرئضی به سکانس پلان

آقامرئضی به سکانس پلان خیلی اعتقاد داشت و معتقد بود که کار حتی الامکان کات نخورد. چون در این سکانس پلان یک انرژی وجود دارد که وقتی شما آن را قطع می‌کنید، وقتی دوباره بخواهید این حس شکل بگیرد و به نقطه اوج خود برسد خیلی طول می‌کشد. در تدوین این کار من خیلی سعی کردم آن چیزی بشود که خود آقامرئضی به آن

امیرسبحان جعفری‌سعادت‌مند، مستندسازی است که وقتی کارنامه هنری او را ورق می‌زنید، برگ‌های فراوانی درباره شهدا و خانواده آنها به چشم می‌خورد که هرکدام از آنها در جای خود دیدنی است. در جایی خود جعفری‌سعادت‌مند می‌گوید که دغدغه اصلی من سیر و سلوک شهدا و زندگی مادران شهداست و این را در مستند «راه مادری» می‌توان به‌عینه به تماشا نشست. حالا پخش مجموعه مستند «آن» دو هفته‌ای است که پنجشنبه‌ها حوالی ساعت ۱۷ شروع شده است؛ مستندی به کارگردانی و تدوین جعفری‌سعادت‌مند از سفر آخر سیدمرتضی آوینی به قتلگاه فکه که به شهادت او منجر می‌شود. مستندی که سه سال تولید آن طول کشید و سال ۹۶ آماده پخش شد

اما به دلایلی تا الان به‌صورت کامل روی آنتن نرفته است.

### نمی‌خواهی برای ما کاری انجام دهی؟

آقامرئضی، علی شاه حاتمی، مجتبی راعی و کیومرث پورا احمد اینها همه بچه‌هایی بودند که آقامرئضی را خیلی دوست داشتند و می‌خواستند تا بعد از شهادت او یک کاری برای ایشان تهیه کنند و حتی شات لیست‌های این کار را نیز تهیه کرده بودند تا سفر آخر حاجی را تدوین کنند اما همان سفر آخری که سیدمرتضی به شهادت رسید همه راش‌های آن دست نخورده باقی مانده بود. در هر صورت همه این عزیزان نتوانسته بودند که این کار را تدوین کنند.

### دوربین پشت صحنه‌ای که به داد ما رسید

خلاصه این‌که من خواستم تا این راش‌ها را تدوین کنم و اتفاقی به یک دوربین دومی برخورد کردم که متعلق به آقای اصغر بختیاری، مدیر تولید روایت بود. ایشان پشت صحنه سفر آخر حاجی را گرفته بود. با دوربین m۹۰۰۰ که می‌توانست hvhs بگیرد اما ایشان vhs گرفته بود و جالب اینجاست که صدای شاهد هم نداشت. این دوربین آمده بود و کارگردانی آقامرئضی را گرفته بود اتفاقاً خیلی هم خوب گرفته بود و احساس می‌کردی که یک کارگردان قدرتمند این کار را با محوریت آقامرئضی ضبط کرده است. به دلیل سختی کار از سال ۹۳ به مدت سه سال تدوین طول کشید.

سال ۹۳ بود که می‌خواستم برای شهید محمدحسین یوسف‌الهی کاری تهیه کنم و آن زمان هنوز حاج قاسم زنده بودند و من طی مشورت با ایشان تصمیم به ساخت کاری برای این شهید را داشتیم؛ شهیدی که هم‌اکنون کنار حاج قاسم دفن شده و حاجی خیلی به ایشان ارادت داشتند. من کارهای تحقیقاتی خود را در کرمان انجام دادم و راهی تهران شدم تا کارهای پیش‌تولید را انجام دهم و در حال و هوای خودم بودم و شاید باور کردنش برای شما مشکل باشد، یک ندایی از طرف شهید آوینی به من رسید که فلانی نمی‌خواهی برای مایک کاری تهیه کنی؟! همین ....

من هر وقت برای شهید یوسف‌الهی می‌خواستم کاری تولید کنم این شهید بزرگوار من را به کار دیگری رجوع می‌دادند. زمانی که آقای مرتضی شعبانی ریاست مرکز روایت فتح را عهده‌دار بود، به این مرکز مراجعه کردم؛ به ایشان گفتم اگر امکانش باشد من می‌خواهم یک کار کوتاهی برای حاج مرتضی تولید کنم. اتفاقاً نزدیک سالگرد حاجی هم بود و از آنها خواستم که راش‌های سفر آخر آقامرئضی را در اختیار من قرار دهند. بعد از شهادت

برگ سبز و کارت خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۷  
به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳  
۶۷۴ م ۲۸ شماره موتور 14187024274 شماره شاسی  
NAAP03ED89J020784 به‌نام ناهید مردای  
قهدریجانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و فاکتور فروش خودرو سواری هاچ بک سیستم  
ام وی ام تیپ X33S-AT مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید  
روغنی شماره انتظامی ایران ۶۷ - ۸۲۶ ن ۴۵ شماره  
موتور MVMD4G20ANL001087 شماره شاسی  
NATGBAYP5L1001487 به‌نام مهناز صافی  
اصفهان‌ای مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پژو  
۴۰۵GLX-XUV مدل ۱۳۹۳ به رنگ نقره‌ای  
متالیک شماره انتظامی ایران ۶۲ - ۹۴۶ س ۲۷  
شماره موتور 124K0490628 شماره شاسی  
NAAM01CA8ER060329 به‌نام مهدی حق‌پرست  
سرخکلانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.